166

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

430-166

**ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE**

Case No. 430 Date of filing: 11 Jan 90

** AWARD - Type of Award _____

- Date of Award _____

_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____

_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____

- Date _____

_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of Mr Holtsmann

- Date _____

_____ pages in English 21 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____

_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

_____

- Date _____

_____ pages in English _____ pages in Farsi

R/12

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

SEPARATE OPINION OF HOWARD M. HOLTZMANN

Case No. 430

Chamber One

DUPLICATE ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

پرونده شماره ۴۳۰

شعبه یک

حکم شماره ۱-۴۳۰-۴۳۸

راک‌ول اینترنشنال سیستمز، اینک،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران

(وزارت دفاع ملی)،

خوانده.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED ثبت شد
DATE 11 JAN 1990
تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۱

English version
Filed on 5 SEP 1989
۱۳۶۸/۶/۱۴ نسخه انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

---

نظر جداگانه هوارد ام. هولتزمن: موافق با یک قسمت

و مخالف با قسمتی دیگر از حکم

---

اول - پیشگفتار

۱ - راک‌ول اینترنشنال سیستمز، اینک، ("راک ول") پیمانکار اصلی طراحی و احداث یک سیستم الکترونیکی بسیار پیشرفته دفاع هوایی موسوم به پروژه آیبکس بود که برای

وزارت دفاع ایران کار می‌کرد.(۱) بعد از انقلاب، دولت جدید ایران آخرالامر تصمیم گرفت که پروژه مذکور را رها کند. در حکم صادره در این پرونده، جمعا" متجاوز از مبلغ ۱۲ ملیون دلار به اضافه بهره، بابت بزرگترین بخش دعاوی راک‌ول برای خدمات انجام شده و سایر خواسته‌های وی اعطاء شده است. من کاملا" با آن قسمت های حکم موافقم. همچنین قبول دارم که در پرونده حاضر، مانند سایر پرونده‌های آیبکس که دیوان در آن حکم صادر کرده، راک‌ول به دلیل مقررات ویژه دو قرارداد خود با وزارت دفاع ("قراردادها")، محق به دریافت عدم‌النفع نمی‌باشد. بنگرید به: بند ۲۰۱ حکم.

۲ ـ معهذا حکم از چندین جهت دچار اشتباه شده است. اول آنکه اکثریت، بناحق راک‌ول را از حق‌الزحمه خدماتی که بعد از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] برای

---

۱ـ دیوان داوری قبلا" در شش پرونده مربوط به سایر پیمانکاران آیبکس رای داده است. بنگرید به: حکم شماره ۱ـ۶۴ـ۱۸۰ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۵] صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. 298 ، (که از این پس "سیلوانیا" نامیده می‌شود)، حکم شماره ۱ـ۵۹ـ۱۹۱ مورخ سوم مهرماه ۱۳۶۴ [۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده کوشتک، اینکورپوریتد و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 107 ، (که از این پس "کوشتک" نامیده می‌شود)، حکم شماره ۱ـ۴۸۰ـ۱۹۷ مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده توش راس اند کامپنی و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 284 ، حکم جزیی شماره ۱ـ۹۳ـ۲۸۹ مورخ نهم بهمن ماه ۱۳۶۵ [۲۹ ژانویه ۱۹۸۷] صادره در پرونده فورد ارواسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 14 Iran-U.S. C.T.R. 24 ، حکم جزیی شماره ۱ـ۴۰۹ـ۳۲۳ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در هریس اینترنشنال تله کامیونیکیشنز، اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 31 ، (که از این پس "هریس" نامیده می‌شود) حکم شماره ۱ـ۳۷۰ـ۴۲۹ مورخ ششم مردادماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۹] صادره در پرونده واتکینز- جانسون کامپنی، و سایرین و جمهوری اسلامی ایران، منتشره در -Iran-U.S. C.T.R.-.

حفظ وضع موجود پروژه تا دریافت دستورات وزارت دفاع انجام داده، محروم کرده است. من با کمال احترام با آن نتیجه گیری مخالفم. دوم اینکه اکثریت به نحوی غیر منصفانه، پرداخت حق‌الزحمه‌ای را رد کرده است که راک‌ول طبق قرارداد بابت تکالیفی که به موقع و در حدود بودجه مصوب انجام داده محق به دریافت آنست. سوم اینکه بنظر من هزینه داوری اعطایی به راک‌ول کمتر از میزانی است که قواعد دیوان مقرر کرده است. (۲) همانطور که ذیلا" تشریح شده است، موافقت من با حکم درمورد حق‌الزحمه قراردادی و هزینه‌های داوری، صرفا" بمنظور حصول اکثریت بود. (۳)

دوم - مطالبات راک‌ول بابت حق‌الزحمه خدمات انجام شده بعد از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]

۳ - تردیدی نیست که راک‌ول تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] خدماتی را برای

---

۲- اصل "تغییر اوضاع و احوال" که با عبارت clausula rebus sic stantibus (قراردادها تابع اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد هستند) نیز بیان می‌شود، در حکم بطور گذرا و بدون آنکه استنادی به آن شده باشد، ذکر گردیده است. من بدلایل مشروح در نظر جداگانه‌ام در پرونده کوشتک، این اصل را در پرونده‌های آیبکس قابل اعمال نمی‌دانم. ص ص ۱۴-۲ حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ صادره در پرونده کوشتک [منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 47-138 ]، با اینکه به نظر من اشاره به اصل تغییر اوضاع و احوال، غیر ضروری و بیمورد است، معهذا نیازی نمی‌بینم که در چهارچوب پرونده حاضر اظهار نظر بیشتری درباره این اصل بنمایم، زیرا که حکم بر آن مبتنی نیست، بنگرید به: بند ۹۲ حکم.

۳- برای بحث کاملتر راجع به الزام بند ۱ ماده ۳۱ قواعد دیوان، دال بر پیوستن به حکم به منظور حصول اکثریت، برای اجتناب از عدم صدور حکم، بنگرید به: نظر موافق هوارد ام. هولتزمن با قرار اعدادی شماره ۱-۲۴-۳۲ مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۲ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۳] صادره در پرونده استارت هاوزینگ کورپوریشن و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 4 Iran-U.S. C.T.R. 159,159 ، ص ص ۲-۱ و همچنین نظر موافق هوارد ام. هولتزمن با حکم شماره ۱-۱۶۵-۵۵ مورخ ۳۰خردادماه ۱۳۶۲ [۲۰ ژوئن ۱۹۸۳] صادره در پرونده اکانامی فرمز کورپوریشن و دولت جمهوری‌اسلامی‌ایران، منتشره در 3 Iran-U.S. C.T.R. 55,55 .

پروژه آیبکس انجام داد، ولی حکمَ اکثریت آن بود که حق‌الزحمه این خدمات فقط تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] قابل پرداخت است. چرا؟ استدلال اکثریت ـ که به نظر من اشتباه است ـ این است که وزارت دفاع قراردادهای خود را با راک‌ول در نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] فسخ کرد و خدماتی که راک‌ول بعد از آن تاریخ انجام داد با پذیرش این "ریسک" بود که پرداختی بابت آنها صورت نگیرد. بنگرید به: بند ۱۹۲ حکم. برعکس بنظر من، این قصور وزارت دفاع در اعلام صریح فسخ به راک‌ول بود که موجب ریسک شد و در نتیجه، مسئولیت چنین ریسکی بر عهده وزارت دفاع است. نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱۶ ژوئیه] وزارت دفاع که نتیجه گیری اکثریت بر آن مبتنی است، به صورت ظاهر مبهم بود و تعبیر راک‌ول مبنی بر آنکه نامه مزبور، تائیدیه تعلیق قبلی قراردادها بوده، منطقی بوده است. علاوه بر آن، راک‌ول صراحتا" به وزارت دفاع اطلاع داد که همچنان بابت قراردادها هزینه‌هایی را متحمل می‌شود و درخواست کرد که وزارت دفاع وضعیت پروژه را روشن کند، معهذا وزارت دفاع به راک‌ول اطلاع نداد که قراردادها را فسخ شده تلقی می‌کند. تحت این اوضاع و احوال، نه نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱۶ ژوئیه] وزارت دفاع و نه رفتار بعدی آن سازمان به گونه‌ای نبود که عملا" دلالت بر فسخ قراردادها داشته باشد و در نتیجه، حداقل هزینه‌هایی که راک‌ول برای حفظ حالت تعلیق قراردادها تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] متحمل گردید، باید به وی پرداخت شود. بررسی اجمالی رویدادها نشان می‌دهد که چرا اینگونه نتیجه‌گیری‌ها اجتناب ناپذیر است.

۴ ـ یکی از وظایف اصلی راک‌ول طبق قراردادها، طراحی و احداث و نصب وسایل الکترونیکی پیشرفته برای جمع آوری اطلاعات در مجتمعی موسوم به مجتمع مرکزی بود. مجتمع مرکزی همانطور که از نام آن بر می‌آید، قرار بود که مرکز اعصاب سیستم آیبکس باشد. هزینه این مرکز که در پایگاه نیروی هوایی ایران در دوشان تپه تهران قرار داشت، از ۳۵ ملیون دلار تجاوز می‌کرد. بدیهی است که این

تاءسیسات با ارزش و بسیار حساس، نیاز به تعمیر و نگاهداری و حفاظت مداوم داشت. بخشی از تعهدات قراردادی راک‌ول شامل خدمات نگهبانی و حفاظت مورد نیاز برای مراقبت از مجتمع مرکزی بود. راک‌ول خدمات مذکور را از طریق یک پیمانکار جزء به نام فیش باخ - عمان اینترنشنال کورپوریشن ("فیش باخ - عمان") انجام می‌داد. مدارک مستند ثابت می‌کند که راک‌ول خدمات نگهبانی و حفاظت لازم برای مجتمع مرکزی و همچنین حداقل عملیات لازم برای حفظ وضع موجود طرح را، تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] انجام داد.

۵ - در پائیز سال ۱۳۵۷، با آرامی های ناشی از انقلاب به تدریج بر کلیه جوانب طرح آیبکس تاءثیر گذاشت. در نتیجه، راک‌ول در نهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۸] برای یکی از قراردادها (موسوم به قرارداد شماره ۱۱۹)، و در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] و برای قرارداد دیگری (به نام قرارداد شماره ۱۲۰)، اطلاعیه فورس ماژور داد. با آنکه شرایط فورس ماژور باعث شد که بسیاری از فعالیتهای راک‌ول به حالت تعلیق درآید، ولی این شرکت در بادی امر همچنان به تهیه نقشه‌ها و طرحها و گزارشهای موضوع قراردادها در ایالات متحده و ارسال آنها به ایران، ادامه داد. به علاوه، راک‌ول دفتر خود را در تهران با عده‌ای کارمند ایرانی دایر نگهداشت و خدمات نگهبانی و حفاظت مجتمع مرکزی را از طریق فیش باخ - عمان ادامه داد. راک‌ول فعالیتهای خود را به مرور زمان کاهش بیشتری داد و در اوت ۱۹۷۹، تنها فعالیت اصلی راک ول، نگهبانی و حفاظت مجتمع مرکزی بود. مضافا" راک‌ول دفتر خود را در تهران با تعداد قلیلی کارمند دایر نگهداشت و هزینه‌های دیگری را که برای نگهداشتن طرح در حالت تعلیق لازم بود، متحمل گردید.

۶ - در اوایل اوت ۱۹۷۹ راک‌ول نامه‌ای به تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹]

از مقامات جدید دولت ایران دریافت کرد که قسمت ذیربط آن به شرح زیر است:

> بدینوسیله اعلام می‌دارد که از تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] اجرای کلیه عملیات و هزینه‌های مربوط به قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ بدلیل تغییرات اخیر ناشی از انقلاب اسلامی ایران متوقف شده تلقی می‌گردد. بنابراین از نماینده تام‌الاختیار شما درخواست می‌شود که در ساعت ۹ بامداد روز سوم شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۵ اوت ۱۹۷۹] در محل این سازمان حضور یابد... (خط تاکید اضافه شده است.)

۷ - عبارت مندرج در نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱٦ ژوئیه] مبنی بر اینکه طرح "متوقف شده تلقی می‌گردد"، اساسا" مبهم بود. این عبارت هم می‌تواند به این معنی باشد که طرح صرفا" به حالت تعلیق درآمده و هم به این معنی که طرح کلا" برچیده شده است. حکم با تشخیص این ابهام نظر می‌دهد که "وزارت دفاع می‌توانست متن این اطلاعیه را در نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱٦ ژوئیه] روشنتر بنویسد." بند ۱۸۹ حکم. سایر پیمانکاران آیبکس نیز نامه‌هایی اساسا" مشابه که همگی به تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱٦ ژوئیه ۱۹۷۹] بود، دریافت کردند. دیوان در آرای مربوط به ادعاهای قراردادی سایر پیمانکاران آیبکس، با توجه به اوضاع و احوال آن پرونده‌ها، عموما" نظر داده است که نامه‌های مورخ ۲۵ تیرماه [۱٦ ژوئیه] بمنزله فسخ قراردادهای ذیربط بود. ولی دیوان در یکایک پرونده‌های فوق صرفا" تفسیر خواهانها را از نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱٦ ژوئیه] تائید کرد و بنابراین نظر نداد که آیا تعبیر و تفسیرهای دیگری از نامه مزبور می‌توانست منطقی باشد یا خیر.(۴)

---

۴- در پرونده هریس، دیوان نظر داد که قرارداد قبل از نامه مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱٦ ژوئیه ۱۹۷۹] وزارت دفاع بر اثر نامه مورخ چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] خواهان که دلالت بر لغو قراردادها بر اثر فورس ماژور داشت فسخ گردید. بنگرید به: حکم جزیی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ در پرونده هریس بند ۱۲۳، منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. at 67 . من با نظر فوق بر این اساس مخالفت کردم که دولت ایران طی نامه مورخ ۲۵

(بقیه زیرنویس در صفحه بعد)

۸ - این نکته نیز حائزاهمیت است که وضعیت راک‌ول کاملا" منحصر به فرد بود. باید به خاطر داشت که گرچه راک‌ول قبلا" با ارسال اطلاعیه‌های فورس ماژور، بیشتر کارهای خود را بحالت تعلیق در آورده بود، ولی همچنان به مراقبت از مجتمع مرکزی ادامه می‌داد و هزینه‌های مختصری را به شرح فوق متحمل می‌شد. نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱۶ ژوئیه] اگر در پرتو آن اوضاع و احوال نگریسته شود، پیام چندان روشنی دایر بر اینکه راک‌ول باید کلیه عملیات خود را تعطیل و رها کند، نمی‌داد. برعکس، نامه مذکور راک‌ول را منطقا" به این تصور سوق داد که قصد وزارت دفاع صرفا" تاٴیید تعلیق عملیات به دلیل شرایط فورس ماژوری بود که ماهها بود جریان داشت، و نه آنکه دستور توقف فعالیتهای مختصری را بدهد که راک‌ول کماکان طی مدت فورس ماژور انجام می‌داد، به ویژه خدمات نگهبانی و حفاظت مورد نیاز در مجتمع مرکزی. این واقعیت که ظاهر نامه دلالت بر عطف به ماسبق کردن [توقیف عملیات و هزینه‌ها] دارد، منطقی بودن تفسیر فوق را قوت می‌بخشد. مضافا" باید توجه داشت که وزارت دفاع وسیله دیگری برای حفاظت اموال خود فراهم نمی‌کرد. از نظر راک ول، منطقی و مسئولانه بود که نتیجه گیرد که وزارت دفاع قصد ندارد تاٴسیسات حساس و با ارزش خود را بدون حفاظت رها کند، بلکه فقط می‌خواهد ضمن ادامه حداقل عملیاتی که برای حفظ وضع موجود پروژه در حالت تعلیق لازم بود، مانع شروع کارهای جدید گردد. رویدادهای بعدی منطقی بودن تفسیر راک‌ول را از نامه فوق، بیشتر تاٴیید می‌کند.

---

(دنباله زیرنویس صفحه قبل)
تیرماه [۱۶ ژوئیه] قصد داشت که قراردادها را فسخ کند و [معتقد بودم] که در اوضاع و احوال آن پرونده، دیوان باید این قصد را عملی می‌ساخت. بنگرید به: نظر جداگانه قاضی هولتزمن در مخالفت با رد هزینه‌های فسخ در پرونده هریس، حکم جزیی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ ص ص ۴-۲، منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. at 88-89 ، بند ۹۴ حکم. ولی در پرونده حاضر مساٴله این نیست که وزارتخانه قصد فسخ قراردادها را داشته یا خیر، بلکه مساٴله اینست که آیا چنین قصدی را بطور صریح و روشن به راک ول اطلاع داده است یا خیر. بنگرید به: بند ۱۵ زیر. این موضوع قویا" بستگی به واقعیات ویژه این پرونده دارد و در پرونده‌های قبلی آیبکس مطرح یا بررسی نشده‌است.

۹ - با اینکه در نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱۶ ژوئیه] از راک‌ول دعوت شد که در تاریخ سوم شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۵ اوت ۱۹۷۹] در جلسه‌ای در وزارت دفاع شرکت کند، جلسه مذکور در واقع در ۳۱ شهریورماه [۲۲ سپتامبر] تشکیل شد. صورتجلسه در همان موقع توسط نمایندگان راک‌ول که در جلسه حضور داشتند، تهیه گردید. صورتجلسه دیگری به عنوان مدرک ارائه نشده، و صورتجلسه راک‌ول که مدرکی است که در همان زمان در جریان عادی کار تهیه شده، در حکم مورد استناد واقع گردیده است. بنگرید به: بند ۱۲۰ حکم. خدمات نگهبانی و حفاظت که راک‌ول همچنان در مجتمع مرکزی ارائه می‌داد، جزو موضوعاتی بود که در جلسه مذکور مورد بحث قرار گرفت. در صورتجلسه قید شده است که نمایندگان راک‌ول "اطمینان حاصل کردند که [نمایندگان ایران] متوجه هستند که راک ول هنوز هزینه‌هایی بابت [حقوق] متصدیان حفاظت، انبارداری و نگهبانی متحمل می‌شود." با اینکه نمایندگان راک‌ول به دفعات در آن جلسه سعی کردند دستوری از نمایندگان ایران دریافت نمایند، در صورتجلسه آمده است که "نه [وزارت دفاع] و نه هیچیک از نمایندگان ایران دستور یا رهنمودی به ما ندادند." راک‌ول بلافاصله بعد از مراجعت به ایالات متحده، طی نامه‌ای به وزارت دفاع تاءکید کرد که "امیدواریم بتوانید در آینده نزدیک رهنمودهای بیشتری به ما بدهید." ولی وزارت دفاع هیچ دستوری به راک‌ول نداد.

۱۰ - عامل دگری که منطقی بودن استنباط راک‌ول را تاءیید می‌کند، اینست که در جلسه سپتامبر این تصور در راک‌ول ایجاد شد که پروژه آیبکس به حالت تعلیق درآمده، ولی احتمال داشت که احیانا" با دادن تغییراتی در آن از سر گرفته شود. حکم این موضوع را بدرستی تاءیید کرده، می‌گوید: "ادله و مدارک تسلیمی هر دو طرف دلالت بر آن دارد که گرچه ایران احتمالا" امکان ادامه پروژه آیبکس را رد نکرده، با اینحال کاملا" روشن بود که چنین کاری را تنها طبق ترتیبات قراردادی جدید و اساسا" تغییر یافته‌ای انجام می‌داد." بند ۹۵ حکم. لیکن حتی طبق ترتیبات جدید،

کاملا" امکان داشت که مجتمع مرکزی که ۸۰ درصد کار آن تکمیل شده بود و مرکز اعصاب پروژه بشمار می‌رفت، مورد استفاده قرار گیرد. در آن وضعیت، کاملا" منطقی بود که راک‌ول تصور کند که وزارت دفاع مایلست وی به ایفای تعهدات قراردادی خود مبنی بر حفاظت مجتمع و اجرای سایر خدمات جزئی، مادام که در انتظار کسب دستور است، ادامه دهد.

۱۱ - در طول ماههای متمادی که وزارت دفاع دستور صریحی به راک‌ول نداد که خدمات خود در مجتمع مرکزی و نیز سایر فعالیتهای جزیی خود را خاتمه دهد، کاملا" آگاه بود که راک ول خدمات خود را ادامه می‌دهد. نه تنها راک‌ول در جلسه ۳۱ شهریورماه [۲۲ سپتامبر] صریحا" این موضوع را به وزارت دفاع اطلاع داده بود، بلکه وزارت دفاع علنا" شاهد ادامه حضور فیش باخ - عمان در یک پایگاه نظامی ایران بود و به همان اندازه نیز از وجود دفتر راک‌ول در تهران آگاه بود. با اینحال، وزارت دفاع سکوت اختیار کرد. آنگونه رفتار، توأم با این واقعیت که وزارت دفاع وسیله دیگری برای حفظ لوازم با ارزش مجتمع مرکزی فراهم نمی‌کرد، راک‌ول را به این نتیجه منطقی رهنمون می‌شد که وزارت دفاع مایل است راک‌ول خدمات قراردای خود را کماکان ادامه دهد.

۱۲ - راک‌ول تنها پیمانکاری نبود که از نیات وزارت دفاع درمورد آینده پروژه آیبکس چنین تصور و استنباطی داشت. جلساتی نظیر جلسه راک‌ول با وزارت دفاع، با سایر پیمانکاران آیبکس نیز در سپتامبر ۱۹۷۹ تشکیل گردید. در گزارش واتکینز- جانسون لیمیتد از جلسه خود با وزارت دفاع در دوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹]، آمده است:

> کلیه قرائن در طول آن جلسه حاکی از این بود که [وزارت دفاع] عملا" مایل به ادامه پروژه [آیبکس] است... البته

ممکن است ماهیت و حدود عملیات طرح تا حدودی تغییر کند. (خط تاءکید اضافه شده است.)

این گزارش از موضع وزارت دفاع، با جو سیاسی حاکم بر ایران در آن وقت، سازگار است. همانطور که من به تفصیل در نظر جداگانه خود در پرونده کوئستک بحث کرده‌ام، شرایط بعد از انقلاب ایران چنان نبود که ادامه قراردادهای آیبکس را از نظر وزارت دفاع غیر منطقی جلوه دهد. بنگرید به: نظر جداگانه هوارد هولتزمن در پرونده کوئستک، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ ص ص ۱۳-۸، ص ۳، منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. at 139,142-46 .

۱۳ - گزارش ماه فوریه ۱۹۸۰ فیش باخ - عمان، نظر راک‌ول را بیشتر تاءیید کرد. گزارش مذکور حاوی شرح جلسه‌ای در تاریخ نهم اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۸ فوریه ۱۹۸۰] با شرکت نمایندگان فیش باخ - عمان و نیروی هوایی ایران است و نتایج آن مذاکرات به شرح زیر در آن خلاصه شده است.

> الف - نیروی هوایی نظر خود را نسبت به برنامه تغییر نداده است (گمان می‌کنم منظور مجتمع مرکزی است). ایشان هنوز طالب تکمیل تاءسیسات هستند.
>
> ب - اینطور بنظر می‌رسد که هیچ اتفاقی در این لحظه نخواهد افتاد. در پاسخ به سئوال مربوط به زمان [شروع] کار، نیروی هوایی اظهار داشت که تا بعد از انتخاب نمایندگان مجلس جدید، اتفاقی رخ نخواهد داد.
>
> ج - فعلا" پیش بینی می‌شود که انتخابات در آوریل ۱۹۸۰ برگزار گردد. (خط تاءکید اضافه شده است)

۱۴ - بر این اساس، راک‌ول تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] به ارائه خدمات محدود خود ادامه داد. تا آن تاریخ، وزارتخانه درخواست کرده بود که ضمانتنامه‌های بانکی تسلیمی راک‌ول بابت قراردادها پرداخت گردد، و باعث شده بود که اعتبارات اسنادی

اتکایی که راک‌ول در قبال ضمانتنامه‌های مذکور ارائه کرده بود، من غیر حق مطالبه شود. حکم بدرستی نظر می‌دهد که ایران با مطالبه غیر قانونی اعتبارات اسنادی، تعهدات قراردادی خود را در قبال راک‌ول نقض کرد. بنگرید به: بندهای ۲۰۴ و ۲۱۰ حکم. به علاوه، مطالبه غیر قانونی وجه اعتبارات اسنادی با نیت ادامه طرح به هر شکل، کاملا" مباینت داشت و با این کار، وزارت دفاع اولین پیام آشکار خود را به راک‌ول داد به این مفهوم که صرفا" قصد تعلیق پروژه آیبکس را تا تعیین تکلیف آتی آن نداشته، بلکه قصد دارد قراردادها را فسخ کند. بر این اساس، راک‌ول کتبا" به وزارت دفاع اطلاع داد که کلیه عملیات پروژه آیبکس را از نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] متوقف خواهد کرد.

۱۵ - بررسی وضع از دیدگاه تعهدات حقوقی طرفین، روشن می‌سازد که راک‌ول محق به دریافت حق‌الزحمه خدماتی است که از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] انجام داده است. وزارت دفاع طبق قراردادها حق داشت به صلاحدید خود پروژه را خاتمه دهد، اما موظف بود که در صورت اخذ چنین تصمیمی، مراتب را به روشنی به راک‌ول اعلام کند. این اصل مسلم در حقوق قراردادها، نیاز چندانی به توضیح ندارد. بطوریکه در یک رساله معتبر حقوقی در بحث راجع به حق طرفین در فسخ [قرارداد] آمده: "مفاد هر اطلاعیه‌ای باید صریح و روشن باشد،... وگرنه اطلاعیه فاقد اعتبار است." (۵) لکن

---

5-Anson's Law of Contract 439 (A.G. Guest 26th ed. 1984)
(نقل قولها حذف شده است)
همچنین بنگرید به:

K. Larenz, Allgemeiner Teil des deutschen Burgerlichen Rechts 339 (7th ed. 1989) [(Esist] grundsatzlich Sache des Erklarenden..., sich so deutlich auszudrucken, dass der Empfanger das Gemeinte normalerweise verstehen kann.")
(ترجمه: در اصل، وظیفه اطلاع دهنده است که نظر خود را آنچنان روشن اعلام کند که مخاطب، تحت اوضاع و احوال عادی، بتواند مفهوم و مقصود وی را دریابد.)

همانطور که در بالا توضیح داده شد، نامه مورخ ۲۵ تیرماه [۱۶ ژوئیه] وزارت دفاع و رفتار بعدی وی، در بهترین حالت، مبهم و در بدترین صورت، گمراه کننده بود. علیرغم همه این واقعیات، اکثریت راک‌ول را از دریافت هزینه‌های متحمله بابت اجرای عملیات محروم و بدین ترتیب، وی را به جرم اینکه مسئولانه عمل کرده، جریمه می‌کند. به نظر من این کار هم غیر منطقی و هم از نظر حقوقی نادرست است.(٦)

۱٦- نتیجه گیری من اینست که قراردادها در نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] فسخ نشدند و بنابراین، راک‌ول باید حق‌الزحمه خدماتی را که طبق قراردادها تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] انجام داده دریافت کند، [زیرا که] در تاریخ مزبور قراردادها بر اثر مطالبه غیر قانونی اعتبارات اسنادی بوسیله وزارت دفاع خاتمه یافتند.

سوم - ادعاهای راک‌ول بابت حق‌الزحمه‌ها

۱۷ - قرارداد شماره ۱۱۹ قراردادی است برمبنای هزینه‌های متحمله. به علاوه، حق‌الزحمه قرارداد مزبور راک‌ول را ملزم می‌ساخت پاره‌ای عملیات را که اصطلاحا "تکلیف" خوانده می‌شوند، اجرا نماید و مقرر می‌داشت که راک‌ول علاوه بر هزینه‌های واقعی

---

٦- همچنین باید متذکر شد که قبول ادعای راک‌ول با حکم دیوان در پرونده سیلوانیا سازگار است. در آن پرونده نیز که با پروژه آیبکس ارتباط داشت، دیوان هزینه‌های متحمله بعد از فسخ در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱٦ ژوئیه ۱۹۷۹] را مورد حکم قرار داد، ازجمله" وجوه پرداختی به فروشندگان کالاها و خدمات، ازجمله هزینه انبارداری تجهیزات مربوط به قرارداد، حقوق و مزایای کارکنان، هزینه پرسنل اعزامی به ایران و موارد تهاتر تا دسامبر ۱۹۸۴." حکم شماره ۱-٦۴-۱۸۰ صادره در پرونده سیلوانیا، ص ۲۷، منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. at 317 ، (خط تاٴکید اضافه شده است). دیوان این هزینه‌ها را بعضا" بعنوان "هزینه‌های اجرایی بعد از نقض قرارداد" به موجب یک قید فسخ صلاحدید[خوانده] مورد حکم قرارداد که اساسا" شبیه قید مورد اعمال در پرونده حاضر است. بنگرید به: همان ماٴخذ ص ۲۹، منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. at 319 .

متحمله، حق‌الزحمه‌ای برابر درصد معینی از آن هزینه‌ها دریافت کند. مبلغ حق‌الزحمه‌ها بابت بسیاری از این تکالیف، بسته به نحوه اجرای قرارداد توسط راک‌ول تفاوت می‌کرد(۷). چنانچه راک‌ول تکالیف مذکور را زودتر از موعد و یا با هزینه‌ای کمتر از هزینه مقرر انجام می‌داد، "حداکثر" حق‌الزحمه تعیین شده به وی تعلق می‌گرفت و چنانچه این تکالیف را راءس موعد و با هزینه برآورد شده انجام می‌داد، حق‌الزحمه "هدف" را دریافت می‌کرد. لیکن چنانچه راک‌ول تکلیف معینی را راءس موعد یا به میزان هزینه برآوردی انجام نمی‌داد، حق‌الزحمه آن تکلیف به "حداقل" کاهش می‌یافت. این نحوه تعیین حق‌الزحمه انگیزه‌ای بود که راک‌ول پروژه را راءس مدت مقرر و در محدوده بودجه تعیین شده تکمیل کند. من با نظر حکم موافقم که راک‌ول مستحق دریافت حق‌الزحمه "هدف" برای تکالیف شماره ۳، ٦ و ۱۳، و حق‌الزحمه "حداقل" برای تکالیف شماره ۴، ۷ و ۹ الی ۱۲ می‌باشد. (۸) در مورد تکالیف شماره ۲ و ۵، من با نظر رئیس شعبه در راءی به اعطای دستمزد "حداقل" صرفا" بخاطر حصول اکثریت، موافقت می‌کنم، زیرا چنین بنظر می‌رسد که داور دیگر شعبه، با پرداخت هر نوع حق‌الزحمه‌ای بابت این تکالیف مخالف است. معهذا به دلایل مشروح در زیر، من ترجیح می‌دادم که برای تکالیف شماره ۲ و ۵ نیز حکم به حق‌الزحمه "هدف" داده شود.

---

۷- با اینحال طبق قرارداد شماره ۱۱۹، حق‌الزحمه‌های متغیر شامل تکالیف شماره ۱، ۸، ۱۴ و ۱٦ نمی‌شد. قرارداد برای تکالیف مذکور، حق‌الزحمه مقطوعی تعیین کرده بود. (تکلیف شماره ۱۵ در این قرارداد وجود نداشت).

۸- من با اعطای دستمزد "حداقل" بجای حق‌الزحمه "هدف" برای تکالیف شماره ۴، ۷ و ۹ الی ۱۲ موافقم ولی دلایل موافقت من با دلایلی که حکم راجع به برخی از این تکالیف عنوان کرده، تا حدودی تفاوت دارد. بنظر من، با توجه به این واقعیت که تاءخیر در اجرای تکالیف مذکور بعضا" ناشی از تاءخیر در تاءیید برخی از پیمانکاران فرعی توسط وزارت دفاع بود و قرارداد حاوی قید صریحی است که ریسک هر نوع تاءخیر در تاءیید پیمانکاران فرعی را متوجه راک‌ول می‌نماید، اعطای "حداقل" دستمزد برای تکالیف مزبور [و نه بیش از آن] اجتناب ناپذیر است. بنگرید به: بندهای ۱۳٦ الی ۱٦۴ حکم.

۱۸ ـ در تعیین مبلغ حق‌الزحمه قابل پرداخت به راک‌ول بابت هر تکلیف خاص، حکم ضابطه صحیحی را تعیین کرده اشعار می‌دارد که: "طبق اصول پذیرفته شده عام در حقوق قراردادها و تفسیر با حسن نیت از شرایط ناظر بر حق‌الزحمه، تاءخیراتی که وزارت دفاع را باید مسئول آن دانست و یا ناشی از فورس ماژور بوده، نباید راک‌ول را از حق‌الزحمه‌ای که در غیر اینصورت به دست می آورده محروم سازد." بند ۱۵۲ حکم. لکن در آنجا که اکثریت فقط حکم به حق‌الزحمه "حداقل" برای تکالیف ۲ و ۵ صادر می‌کند، ضابطه فوق را به غلط اعمال می‌کند. بنظر من راک‌ول از عهده اثبات این ادعا برآمده است که در زمانی که شرایط فورس ماژور باعث تاءخیر در کارها شد، راک‌ول عملیات خود را طبق برنامه و در محدوده بودجه انجام داده بود. به همین طریق، هنگامی که وزارت دفاع به دلیل مدتها اهمال در آزاد کردن وجوه لازم برای طراحی و صدور اجازه ساختمان باعث تاءخیر در اجرای کارها شد، راک‌ول تکلیف شماره ۵ را در محدوده بودجه و برنامه مقرر اجرا کرده بود. بنابراین، عبارت بجایی را که حکم در توصیف این ضابطه بکار برده، تکرار کرده [نتیجه می‌گیرم] که اوضاع و احوالی که خارج از کنترل راک‌ول بوده" نباید [وی] را از حق‌الزحمه‌ای که در غیر اینصورت به دست می آورده، محروم سازد." همان ماءخذ

الف ـ تکلیف شماره ۲

۱۹ ـ تکلیف شماره ۲ به احداث مجتمع مرکزی مربوط می‌شد و مهمترین تکلیف مقرر در قرارداد شماره ۱۱۹ بشمار می‌رفت. فیش باخ ـ عمان، پیمانکار فرعی عمده راک ول، اصل کارهای ساختمانی را اجرا می‌کرد. من با [مطالب مندرج در] حکم موافقم که موضوع اصلی در تعیین استحقاق راک‌ول به حق‌الزحمه "هدف" بابت این تکلیف، اینست که آیا راک‌ول ثابت کرده است که اگر به علت شرایط فورس ماژور حاکم در ایران نبود، وی در تاریخ نهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۸] که اطلاعیه فورس ماژور

را برای قرارداد شماره ۱۱۹ داد، می‌توانست عملیات خود را طبق برنامه و در محدود بودجه مقرر اجرا کند یا خیر. لکن من با تحلیل حکم از مدارک مربوط مخالفم.

۲۰ ـ اگرچه بسیاری از اجزای دیگر پروژه آیبکس در طول عمر این پروژه با تاءخیر قابل ملاحظه روبرو شد، اما مجتمع مرکزی چنین وضعیتی نداشت. صورت وضعیتهای ماهانه‌ای ("گزارشهای راک‌ول") که راک‌ول در آن زمان تهیه و به "پیمانکار هماهنگ کننده" وزارت دفاع، یعنی هریس اینترنشنال تله کامیونیکیشنز، اینک. ("هریس") تسلیم کرده، حاکی از آنست که تکلیف شماره ۲ تا شروع شرایط فورس ماژور در پائیز ۱۹۷۸، عموما" طبق برنامه و با صرف هزینه‌ای کمتر از هزینه مقرر پیشرفت کرده بود. راک‌ول مکاتبات مفصلی از فیش باخ ـ عمان پیمانکار فرعی خود تسلیم کرده که رویدادهای فورس ماژوری را که در اواخر سال ۱۹۷۸ بر پیشرفت کار تکلیف شماره ۲ اثر گذاشته بود، جزء به جزء آشکار می‌سازد. این رویدادها مشخصا" عبارت بودند از اعتصاب کارکنان، تهدید به مرگ، تیراندازیهای پراکنده، کمبود بنزین که بهره‌برداری از وسائط حمل و نقل را دچار اختلال می‌کرد، کمبود گازوئیل که بهره‌برداری از ماشین آلات ساختمانی و مولد برق را مختل می‌کرد، عدم امکان تحویل گرفتن مصالح خریداری شده در محل و عدم امکان تحویل گرفتن مواد و مصالح با اهمیتی که از ایالات متحده به ایران حمل می‌شد، به دلیل اعتصاب کارکنان بنادر ایران که کار تخلیه کشتیها را مختل کرده بود.(۹) هیچ مدرکی دال بر اینکه وزارت دفاع وجود این شرایط را در آن زمان تکذیب کرده باشد، در دست نیست.

---

۹ـ گرچه نامه‌های حاوی شرح این رویدادها، در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ در ارتباط با اطلاعیه فورس ماژور موضوع قرارداد شماره ۱۱۹ ارسال گردیدند، معهذا رویدادهای گذشته‌ای که مستقیما" بر اجرای بموقع تکلیف شماره ۲ توسط راک‌ول اثر گذاشته بود نیز، در نامه‌های مذکور به روشنی مورد بحث قرار گرفته است.

۲۱ - علاوه بر آن، در گزارشهای ماه سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۸ راک‌ول راجع به تکلیف شماره ۲ ذکر شده است که: "کار ساختمان اساسا" طبق برنامه پیش می‌رود." گزارش ماه نوامبر راک‌ول درمورد تکلیف شماره ۲ حاکی از آنست که "کار ساختمان اساسا" طبق برنامه پیش می‌رود، معهذا، به علت ناآرامیهای سیاسی، چند مورد تاءخیر و کندی وجود داشته است. این تاءخیرها و کندیها چندان اثری نداشته‌اند زیرا ما در بسیاری زمینه‌ها جلوتر از برنامه بودیم." (خط تاءکید اضافه شده است). گزارشهای تسلیمی به هریس نیز این واقعیت را تاءیید می‌کند ("گزارشهای هریس"). در گزارش ماه ژانویه ۱۹۷۹ هریس درمورد تکلیف شماره ۲ اظهار شده است که "هماهنگی مجتمع مرکزی در ماه ژانویه بر اثر کمبود نیروی انسانی، سوخت و مصالح با کندی صورت گرفت. ادامه اغتشاشات سیاسی مانع پیشرفت معمولی کار شده است." (خط تاءکید اضافه شده است). گزارش مذکور ادامه می‌دهد که "عکس‌العمل محلی تحت آن شرایط بسیار نامساعد، عالی بوده است." (خط تاءکید اضافه شده است). گزارش ماه سپتامبر ۱۹۷۹ هریس اشعار می‌دارد که "کمبود سوخت و ناآرامیهای سیاسی مجموعا" باعث شد که در ماههای [ژانویه ۱۹۷۹] یا فوریه هیچ فعالیت ساختمانی صورت نگیرد."

۲۲ - راک‌ول از عهده اثبات این ادعای محمول بر صحت برآمده است که هنگامیکه رویدادهای فورس ماژور موجب تاءخیر در کار شد، راک‌ول تکلیف شماره ۲ را طبق برنامه مقرر انجام داده بود. وزارت دفاع هیچ مدرکی در رد این ادعا ارائه نکرده است. به علاوه، هزینه‌های متحمله راک‌ول بابت تکلیف شماره ۲ در تاریخ اعلام شرایط فورس ماژور بابت قرارداد شماره ۱۱۹ کمتر از بودجه تخصیصی به آن تکلیف بود. بر این اساس، راک‌ول مستحق دستمزد "هدف" برای تکلیف شماره ۲ می‌باشد. من با تصمیم حکم مبنی بر عدم اعطای "حداکثر" دستمزد برای این تکلیف موافقم، زیرا راک‌ول به قدر کافی ثابت نکرده است که در تمام زمینه‌های این تکلیف جلوتر

از برنامه بوده است.

ب - تکلیف شماره ۵

۲۳ -اکثریت ادعای راک‌ول را برای دریافت دستمزد "هدف" بابت تکلیف شماره ۵ به اشتباه رد کرده است. تکلیف شماره ۵ شامل احداث یک جاده ارتباطی موسوم به "جاده غربی شماره ۱۷ - الف " بود. گزارشهای راک‌ول حداقل از آوریل ۱۹۷۸ به صراحت "به تاءخیر در صدور اجازه کارهای ساختمانی و در اختیار گذاردن وجوه لازم برای طراحی اشاره می‌کند." صدور اجازه کارهای ساختمانی و در اختیار گذاردن وجوه لازم برای طراحی، هر دو جزو مسئولیت وزارت دفاع بود. در ژانویه ۱۹۷۸ که وزارت دفاع کارگاه "غربی شماره ۷" را جایگزین کارگاه "غربی ۱۷ - الف" کرد، تکلیف شماره ۵ فسخ شد. راک‌ول بطور علی‌الظاهر اثبات کرده است که مسبب تاءخیر در اجرای تکلیف شماره ۵ قبل از فسخ آن، وزارت دفاع بوده است. بر این اساس، از آنجا که مدرک مغایری در این زمینه ارائه نشده، راک‌ول مستحق دریافت دستمزد "هدف" برای تکلیف شماره ۵ می‌باشد.

۲۴ -اکثریت در عدم اعطای دستمزد "هدف" به راک‌ول بابت تکلیف شماره ۵، به دو عامل استناد می‌کند. نخست اینکه، بعد از جایگزین کردن کارگاه "غربی ۱۷ - الف" با کارگاه "غربی شماره ۷" و نتیجتا" فسخ تکلیف شماره ۵ توسط وزارت دفاع، گزارش ماه ژانویه هریس اشعار داشت که فیش باخ - عمان پیشنهاد فسخی را تهیه و تا ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۵ فوریه ۱۹۷۹] تسلیم خواهد کرد. اکثریت قصور راک‌ول را در ارائه پیشنهاد فسخ به عنوان مدرک، به زیان وی تعبیر و تفسیر می‌کند. این تعبیر و تفسیر بی اساس است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که روز ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۵ فوریه ۱۹۷۹] یعنی تاریخی که قرار بود پیشنهاد فسخ تسلیم گردد، فقط

چند روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود. انصافا" نمی‌توان قصور فیش باخ ـ عمان در تهیه پیشنهاد فسخ را به زیان او تعبیر کرد، زیرا در آن تاریخ پروژه به دلیل شرایط فورس ماژور بحالت تعلیق درآمده بود و اوضاع حاکم تهیه چنین پیشنهادی را هم غیر ممکن و هم بیهوده ساخته بود. به علاوه، اکثریت، اطلاعاتی را که لازمه برآورد میزان استحقاق راک‌ول به حق‌الزحمه تکلیف شماره ۵ می‌داند و احتمالا" در چنین پیشنهادی وجود داشته، مشخص نکرده است.

۲۵ ـ ثانیا" اکثریت به این واقعیت استناد می‌کند که راک‌ول مدرکی حاکی از اینکه "بموقع و به نحو صحیح" درخواست صدور اجازه ساختمان و در اختیار گذاردن وجوه لازم برای طراحی را کرد، ارائه نداده است. بند ۱۶۷ حکم. در اینجا نیز اکثریت اشتباه می‌کند. پیمانکاران آیبکس یک سیستم پیچیده فرآیند اطلاعات برای کنترل وضع پروژه ابداع و اجرا کردند. نقش راک‌ول در این سیستم اطلاعاتی این بود که با تهیه گزارش و ارائه همزمان آن به هریس، وزارت دفاع را از مشکلاتی که در پیشرفت کار طرح پیش می آمد، مطلع سازد. راک‌ول به وظیفه خود عمل کرد. در گزارشهای راک‌ول در سراسر سال ۱۹۷۸ بارها به تاءخیر وزارت دفاع در صدور اجازه ساختمان و در اختیار گذاردن وجوه لازم برای طراحی، اشاره شده است. علاوه بر آن، راک‌ول در نامه مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸] خود به وزارت دفاع، تاءخیرهای وزارتخانه را در تکلیف شماره ۵ صراحتا" خاطرنشان ساخت.

۲۶ ـ براین اساس، بنظر من مدارک ارائه شده توسط راک‌ول علی‌الظاهر ثابت می‌کند که تاءخیرهای حاصل در تکلیف شماره ۵ متوجه وزارت دفاع بوده است، و وزارت یاد شده هیچ مدرکی در رد این موضوع ارائه نکرده است. با اعمال ضابطه منصفانه‌ای که در بالا به آن اشاره شد، راک‌ول نباید به دلیل تاءخیرهای وزارت دفاع از حق‌الزحمه خود محروم شود. به علاوه، هزینه‌هایی که راک‌ول در تاریخ فسخ متحمل

شده بود، کمتر از بودجه تخصیصی برای تکلیف شماره ۵ بود. بر این اساس، راک‌ول مستحق حق‌الزحمه "هدف" برای تکلیف شماره ۵ است.

چهارم - ادعای راک‌ول بابت هزینه‌های داوری

۲۷ - راک‌ول جمعاً" مبلغ ۹۲۸،۰۳۶/- دلار امریکا بابت هزینه‌های داوری، منجمله حق‌الوکاله مطالبه کرده است. حکم به صراحت اعلام می‌دارد که "دیوان داوری برمبنای ادله و مدارک تسلیمی متقاعد شده است که راک ول، هزینه‌های داوری به مبلغ مورد ادعا را متحمل شده است." بند ۲۵۱ حکم. حکم تصدیق می‌کند که "پرونده حاضر متضمن موضوعات ماهوی پیچیده است. ایضاً". یک نگاه به فهرست مندرجات حکم مشخص می‌سازد که تعداد این موضوعات کثیر است. به علاوه، همانطور که حکم نیز به فراوانی نشان می‌دهد، این پرونده متضمن موضوعات حقوقی بسیاری نیز بوده است. معذلک، حکم فقط ۷۰،۰۰۰/- دلار امریکا که کمتر از ۸ درصد هزینه‌های واقعی متحمله است، بابت حق‌الوکاله به راک‌ول اعطاء می‌کند (۱۰). من فقط به منظور حصول اکثریت برای صدور حکم با این نتیجه گیری موافقت می‌کنم، و راجع به اینکه چرا طبق قواعد دیوان، مبلغ اعطایی را کافی نمی‌دانم، شرح جداگانه‌ای می‌نویسم.

۲۸ - بند ۱ ماده ۳۸ قواعد دیوان در قسمت ذیربط مقرر می‌دارد که دیوان "هزینه‌های داوری را تعیین" خواهد کرد که شامل "هزینه نمایندگان و دستیاران حقوقی

---

۱۰- حکم بدرستی مبلغ ۹۰۲،۵۶۳/- دلار باضافه بهره به راک‌ول اعطاء می‌کند. این رقم بابت کل حق‌الوکاله‌ای است که راک‌ول برای تحصیل قرار منع پرداخت اعتبارات اسنادی اتکائی، که وزارت دفاع من غیر حق مطالبه کرده بود، در دادرسی مطروح در ایالات متحده، متحمل شده است. این حق‌الوکاله به صورت خسارت در حکم اعطا شد و در نتیجه، با حق‌الوکاله‌ای که راک‌ول طبق قواعد دیوان بابت هزینه‌های داوری خود در پرونده حاضر مطالبه می‌کند، متفاوت است. بنگرید به: بندهای ۲۰۳ الی ۲۰۴ حکم.

طرف موفق می‌باشد، مشروط بر اینکه اینگونه هزینه‌ها طی جریان داوری مطالبه شده باشد و تنها به میزانی که به تشخیص دیوان داوری معقول است". بند ۱ ماده ۴۰ قواعد دیوان در دنباله مطلب اشعار می‌دارد که هزینه‌های داوری، منجمله هزینه‌های حقوقی "اصولا به عهده طرف ناموفق خواهد بود،" و بند ۲ همان ماده در توضیح راجع به حق‌الوکاله می‌گوید که "دیوان داوری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده، می‌تواند طرفی را که باید هزینه‌های مزبور را به عهده بگیرد، تعیین نموده یا اینکه این هزینه‌ها را میان طرفها تسهیم کند، بشرط آنکه چنین تسهیمی را معقول بداند." در اینجا نیز من لازم نمی‌دانم بحث راجع به این قواعد را که در "نظر جداگانه خود درباره هزینه‌های داوری" در پرونده سیلوانیا مطرح کرده‌ام، تکرار نمایم. حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. 329 ). اکنون به ذکر این نکته اکتفا می‌کنم که این قواعد در عین حال که دیوان را ملزم می‌سازد که در تعیین هزینه‌های "معقول" به تشخیص و صلاحدید خود عمل کند، اما اجازه نیز نمی‌دهد که دیوان بدون اساس، ارقامی را ذکر کند. متاسفانه حکم پرونده حاضر، سوای اشاره به "ضوابط مندرج در [حکم صادره] پرونده سیلوانیا" که در آنجا نیز محاسبه مبلغ اعطایی بابت هزینه‌های داوری نامشخص است، هیچ توضیحی درباره نحوه محاسبه مبلغ ۷۰،۰۰۰/- دلار امریکا بابت هزینه‌ها نمی‌دهد. ابهام موجود در تعیین هزینه‌های داوری در حکم، با دقتی که در توضیح راجع به سایر مبالغ اعطایی بکار رفته، مغایرت چشم گیری دارد.

۲۹ - همانطور که من در نظر جداگانه خود در پرونده سیلوانیا متذکر شده‌ام، هزینه‌های داوری باید با اعمال قواعد دیوان، به نسبت میزان توفیق طرف دادبرده، مورد حکم واقع شود. بنگرید به: پرونده فوق. بنظر من، این واقعیت که در حکم پرونده حاضر، حدود ۱۲ ملیون دلار از خواسته ۱۹ ملیون دلاری راک‌ول بابت کارهای انجام شده طبق قراردادها، یعنی ۶۳ درصد خواسته، اعطا شده، بهترین راه سنجش میزان

موفقیت راک‌ول در دعوا می‌باشد. همچنین، راک‌ول در دفاع در برابر دعاوی متقابل به مبلغ ۱۵۰/- میلیون دلار، صد درصد موفق گردید. و به علاوه، در خواسته ۱۷ میلیون دلاری خود بابت عدم‌النفع ناموفق بود. همانطور که در بالا گفته شد، آرای صادره در پرونده‌های قبلی آیبکس روشن ساخته بود که به دلیل شرایط ویژه قراردادهای آیبکس، عدم‌النفعی بابت آن قراردادها قابل پرداخت نبود. بر این اساس، پیداست که وکیل راک‌ول نیز واقع بینانه عمل کرده، وقت بسیار محدودی را صرف این موضوع کرد و برای مثال، فقط ۳ صفحه از لایحه ۸۵ صفحه‌ای استماع را به ادعای عدم‌النفع اختصاص داد. براین اساس، منطقی است که نتیجه گیری شود که تقریبا" کل مدت زمان مربوط به ۹۲۸،۰۳۶/- دلاری که طبق یافته حکم، راک‌ول بابت حق‌الوکاله و هزینه‌ها متحمل شده، صرف موضوعاتی سوای مسأله عدم‌النفع گردیده است. و تا حدودی به همین نحو، دعاوی متقابلی که راک‌ول با موفقیت در برابر آنها دفاع کرده، عمدتا" متضمن موضوعاتی بود که رویه دیوان در قبال آنها در پرونده‌های قبلی آیبکس کاملا" روشن شده بود. باتوجه به جمیع این عوامل، من معتقدم که راک‌ول محق به دریافت ۵۵۵،۰۰۰/- دلار، یعنی حدود ۶۰ در صد از هزینه‌های حقوقی است که مطالبه می‌کند. بدون شک، کار حقوقی انجام شده و نتایج حاصله از آن، اعطای حکمی حداقل به این مبلغ را توجیه می‌کند.

لاهه، به تاریخ ۱۴ شهریورماه ۱۳۶۸ برابر با پنجم سپتامبر ۱۹۸۹

هوارد ام. هولتزمن